

بررسی تاثیر شاخص‌های توسعه مکران بر توسعه اقتصاد منطقه‌ای با تاکید بر فقر زدایی

محمود محمدی

مربی گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (pnu)

محسن زاینده رودی^۱

دانشیار گروه اقتصاد، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

سید عبدالمجید جلائی

استاد تمام اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۱

چکیده

فعالیت‌های مستمر و درازمدت نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر سطوح مختلف توسعه اقتصاد منطقه‌ای اثر گذار است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که سطح رفاه یک کشور یا منطقه را نشان می‌دهد، خط فقر است. هدف این مطالعه بررسی تاثیر شاخص‌های توسعه سواحل مکران (استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان) بر توسعه اقتصاد منطقه‌ای با تاکید بر فقر زدایی است. دوره زمانی مورد استفاده در این پژوهش از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۶ است. بدین منظور از شاخص خط فقر محاسبه شده در مطالعه محمدی (۱۳۹۸) به عنوان شاخص توسعه اقتصاد منطقه‌ای استفاده شده است. شاخص‌های توسعه مکران نیز به چهار دسته شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی و شاخص‌های صنعتی تقسیم شدند. نتایج تحقیق نشان داد که بجز شاخص‌های صنعتی که تاثیر معنی‌داری بر خط فقر به عنوان شاخص توسعه اقتصاد منطقه‌ای مکران نداشت، دیگر متغیرهای تحقیق تاثیر منفی و معنی‌داری بر خط فقر سواحل مکران داشتند؛ یعنی با بهبود این شاخص‌ها خط فقر کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به ضرایب شاخص‌ها در بلندمدت می‌توان نتیجه گرفت که بهبود شاخص‌های آموزشی - فرهنگی در مقایسه با دیگر شاخص‌های تاثیر بیشتری بر کاهش خط فقر در سواحل مکران دارد.

کلمات کلیدی: توسعه، توسعه منطقه‌ای، خط فقر، سواحل مکران.

هر دولت معتبر و مشروع به دنبال اطمینان یافتن از بهبود پایدار در استاندارد زندگی شهروندان است. در این راستا، برنامه‌های توسعه دولت شامل بسیج موثر تسهیلات، تخصیص بهینه و مدیریت کارآمد منابع ملی است. اولویت معمولاً به ارائه تسهیلات توسعه مثل (حمل و نقل، ارتباطات) و همچنین زیرساخت‌ها اجتماعی به (آموزش، بهداشت) داده می‌شود. با توجه به این تعریف اهمیت زیرساخت‌ها مانع از رشد اقتصادی و افزایش فقر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۸). مطالعه آماری فقر و تجزیه و تحلیل آن می‌تواند روش مناسبی برای راهنمایی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی باشد و حرکت به سوی توسعه پایدار و برنامه‌ریزی منطقه‌ای را آسان‌تر کند. با این رویکرد به نحوه تأثیر فقر می‌توان دریافت با گسترش فقر، تقاضای مؤثر در جامعه کاهش می‌یابد که این خود موجب کاهش تولید، اشتغال و نظایر آن می‌شود، پس شناسایی افراد فقیر و حمایت از آنها می‌تواند در رشد اقتصادی کشور مؤثر باشد.

توسعه روند پالایش نیازهای انسان در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های پایداری جهان می‌باشد تا توانایی‌های انسانی - اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی را افزایش دهد. زمانی که توسعه در یک منطقه مورد بررسی قرار گیرد مفهوم توسعه منطقه‌ای تلقی خواهد شد. سوال اساسی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان میزان توسعه‌یافتگی در یک منطقه را اندازه‌گیری کرد؟ بررسی میزان توسعه‌یافتگی در منطقه همواره با استفاده از شاخص‌های کلیدی توسعه در حوزه‌های مختلف انجام می‌گیرد. یکی از معیارهای کلیدی در سنجش عملکرد در هر حوزه و در هر زمینه‌ای تعریف شاخص‌های مناسب و قابل اندازه‌گیری و رصد، ارزیابی و بهبود وضعیت جامعه در هر یک از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، سیاسی و فضایی جامعه می‌باشد. این مطالعه به دنبال بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه سواحل مکران بر توسعه منطقه‌ای با تأکید بر فقر زدایی در این مناطق می‌باشد.

از آنجایی که وضعیت رفاهی مناطق مختلف جغرافیایی در سطح یک کشور یکسان نمی‌باشد و سیاست‌گذاری‌های هدفمند در جهت کاهش فقر نیازمند مطالعه دقیق وضعیت فقر در مناطق مختلف می‌باشد، باید در سطح هر منطقه با توجه به ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خاص به خود خط فقر محاسبه شود تا زمینه ساز اجرای موفق سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی باشد. از طرف دیگر پس از انقلاب اسلامی همواره لزوم توجه و توسعه سواحل مکران توسط دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است که متأسفانه این توجه صرفاً بر روی کاغذ بوده و به بهانه عدم توانایی در جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خصوصی جهت تأمین مالی طرح‌ها و زیرساخت‌های لازم اقدامی صورت نگرفته است. با تأکید مکرر مقام معظم رهبری بر فقرزدایی سواحل بلوچستان و کشف استعدادهای این مرز و پنهان، دولت مکلف شد تمام توان خود را به منظور توسعه مبتنی بر اقتصاد مقاومتی و با اولویت سواحل مکران در دستور کار قرار دهد. با توجه به حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی در روند برنامه‌ریزی کشور، اهمیت سرمایه‌گذاری به تفکیک بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، صنعتی و... در سطح سواحل مکران و بررسی تأثیر این شاخص‌ها بر شاخص‌های توسعه منطقه‌ای سواحل مکران از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف این مطالعه بررسی آثار شاخص های توسعه اقتصاد منطقه ای بر توسعه اقتصادی سواحل مکران با تاکید بر فقر زدایی می باشد. لذا این مطالعه به دنبال پاسخ دادن به سوالات زیر است:

۱- شدت و جهت تأثیر شاخص های توسعه سواحل مکران بر فقر در این سواحل چگونه است؟

۲- آیا شاخص های توسعه سواحل مکران در کاهش فقر در این سواحل موثر بوده اند؟

در این مقاله بعد از مقدمه حاضر در بخش دوم مبانی نظری ارائه می شود، بخش سوم به پیشینه تجربی تحقیق می پردازد. بخش چهارم روش شناسی تحقیق را بررسی می کند. در بخش پنجم منطقه مورد مطالعه بررسی می شود. در بخش ششم یافته های تحقیق ارائه خواهد شد و در بخش هفتم نتیجه گیری و پیشنهادات آورده می شود.

مبانی نظری

توسعه، تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می شود. توسعه اقتصادی پایدار بدون توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی امکان پذیر نیست و توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بدون نگرش منطقی و علمی به مسئله توسعه اقتصادی در بلندمدت، راه به جایی نخواهد برد. از طرف دیگر، برای هماهنگی هدف های ملی و بخشی با واقعیت های منطقه ای لازم است که در چارچوب سیاست های توسعه کلان و بخشی، سیاست های توسعه منطقه ای و ناحیه ای نیز مورد توجه قرار گیرد (امین بیدخت، ۱۳۸۵)، تا بتوان سیاست های کلان را با قابلیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه ای و ناحیه ای سازگار کرد.

باید پذیرفت که قابلیت ها و مزیت های موجود ریشه در فعالیت های مستمر و درازمدت نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند که باید در زمان های خاص اثرات این فعالیت ها در سطوح مختلف به ویژه سطح منطقه ای و ناحیه ای مورد ارزیابی قرار گیرد. غفلت از بررسی دقیق اثرات این فعالیت ها که فرآیند توسعه ناحیه ای را محقق می سازند، به مرور زمان سبب عدم تعادل ناحیه ای شده و عواقب و تأثیرات ناخوشایندی از نظر دستیابی به هدف های توسعه خواهد داشت (امین بیدخت، ۱۳۸۵). برای شناخت تفاوت سطح توسعه منطقه ای لازم است ابتدا وضعیت موجود منطقه بررسی شود تا اینکه بتوان بر این اساس در جهت کاهش یا از میان بردن تفاوت ها اقدام به برنامه کرد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰).

در سطح منطقه، ایجاد تعادل منطقی بین مردم، اشتغال و خدمات یکی از آرمان های پسندیده می باشد (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵). وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه های مهم توسعه نیافتگی است چرا که نابرابری های منطقه ای در تمام اشکال و سطوح آنها می تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد (پاسیون، ۲۰۰۳).^۱ همچنین نابرابری، مشروعیت سیاسی دولت را خدشه دار کرده و حاکمیت دولت را به مرور در مسیر نابودی قرار می دهد (UNDP،^۲ ۲۰۰۵).

فقر همواره به صورت یک معضل جهانی فراروی جامعه بشری بوده است. اما از اواخر دهه ۷۰ و به ویژه با شروع دهه ۸۰ به دلیل پذیرش برنامه ی اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و

^۱ Pacion

^۲ United Nations Development Program

حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از صاحب‌نظران بر این گمان هستند که اجرای برنامه‌های اقتصادی فوق، گروه‌های کم درآمد را متاثر ساخت و تعداد افراد فقیر را افزایش داد. (مورلی و التیمر،^۱ ۱۹۹۴).

در پاسخ به چنین وضعیتی و به منظور جلوگیری از گسترش فقر، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای اقدامات نمادین و عملی را در پیش گرفتند. برای مثال، سازمان ملل دهه ۲۰۰۶-۱۹۹۶ را دهه ریشه کنی فقر نام نهاد. بانک جهانی برای تحقق دنیایی رها از فقر، جهانیان را به اقدام مؤثر برای حذف گرسنگی با توسعه پناهگاه و مسکن و برخورداری عمومی از بهداشت، مسکن و آموزش دعوت نمود. در هزاره جدید، سازمان ملل متحد یکی از مهم‌ترین اهداف هشت‌گانه‌ی خود را ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی شدید اعلام کرده است.

ناکاباشی^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر فقر بر توسعه اقتصادی در کشورهای برزیل از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که بروز فقر در توسعه اقتصادی ایالت‌های برزیل مؤثر است. ایالت‌های فقیرتر برزیل درآمد کمتری نسبت به هر کارگر حتی هنگام کنترل سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و کاهش ارزش پولی سرمایه دارند. همچنین نتایج حاکی از آن است که متغیرهایی که فقر شدید را اندازه‌گیری می‌کنند تاثیر بیشتری بر توسعه اقتصادی ایالت‌های برزیل در رابطه با دیگر متغیرهایی که فقر را تعیین می‌کنند، نشان می‌دهد.

هاکیزمانا و جیر^۳ (۲۰۱۴) با استفاده از شاخص‌های مختلف برای سنجش توسعه فضایی در میان مناطق آفریقای جنوبی، متغیرها و شاخص‌های توسعه‌ی صنعتی را یکی از عوامل اثرگذار بر توسعه‌ی منطقه‌ای لحاظ کرده‌اند. نویسندگان، شاخص ترکیبی چندبعدی از انحراف میانگین نسبی، سطح متغیرها، انحراف معیار لگاریتمی، ضریب جینی، نسبت کوزنتس، شاخص نابرابری تیل، انحراف میانگین الگاریتمی و شاخص اتکینسون ساخته‌اند و نشان داده‌اند که انتخاب اقتصادی و سکونتگاهی مردم، متأثر از تمامی عوامل اجتماعی و اقتصادی است و نتایج متفاوتی از هر یک از شاخص‌ها حاصل می‌شود.

اراین و همکاران^۴ (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های گردآوری شده از ۵۳۶ خانوار در ۶۰ روستا در جاهابا، یکی از مناطق هند نشان داده‌اند که چگونه خانوارهای روستایی در کشورهای در حال توسعه، از ذخیره و موجودی منابع طبیعی مشترک درآمد کسب می‌کنند. در واقع، در پژوهش فوق بر این موضوع تمرکز شده است که چگونه اثر متقابل سه نوع از دارایی‌های خصوصی شامل زمین، دام و سرمایه اجتماعی همراه با دارایی‌های طبیعی، راهبردهای معیشتی خانوارهای فقیر روستایی را شکل می‌دهند. در بررسی مذکور، اثبات شده است که معیشت خانوارهای روستایی در کشورهای در حال توسعه، به طور معنی‌داری، به منابع طبیعی مشترک منوط است.

هاشمی^۵ و همکاران (۲۰۰۸) در تعیین عوامل تعیین‌کننده‌ی فقر روستایی در پنجاب پاکستان از روش لجستیک در معیار سرشماراستفاده نموده‌اند. در این تحقیق خط فقر طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ تخمین زده شده و عوامل مؤثر بر

1. Morli and Eltimer

2 Nakabashi et al.

3 Hakizimana and Geyer

4 Narain et al.

1 Hashemi

آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد احتمال فقیر شدن خانوارها با افزایش بعد خانوار و نسبت وابستگی افزایش یافته و با افزایش سطح آموزش، تعداد احشام خانوار و مزرعه‌دار بودن کاهش می‌یابد. علاوه بر این فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی که در قالب دسترسی به زیرساختی منطقه مسکونی بررسی شده، نقش مهمی در کاهش فقر خانوارها دارد.

لال و چاکر اوورتی^۱ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که برای کشور هند انجام داده‌اند، توسعه منطقه‌ای در کشور هند را مورد هدف قرار داده‌اند. متغیرهای مورد استفاده در آن تحقیق عبارت از سطح اشتغال، سرمایه گذاری بخش خصوصی، زیرساخت‌های فیزیکی (تابعی از بزرگراه‌ها و فرودگاه)، متغیرهای فضایی و نابرابری منطقه‌ای می‌باشد. نتایج به دست آمده، بیانگر آن بوده است که روند سرمایه گذاری خصوصی در مقایسه با سرمایه گذاری دولتی، از تورش و تغییرات بیشتری در مناطق ساحلی و توسعه‌یافته تر برخوردار است؛ همچنین، با تمرکز در استقرار صنایع و افزایش سرمایه گذاری صنعتی، نابرابری فضایی در مناطق مختلف رو به افزایش گذاشته است و مناطق توسعه‌یافته تر عملاً رشد اقتصادی بیشتری را تجربه کرده‌اند.

دوناقی و دالریا^۲ (۲۰۰۳) برای کشور اسپانیا انجام شده است، دوناقی و دالریا، نقش عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای کشور اسپانیا را در ابعاد مختلف بررسی کردند. آنها، عوامل زیرساختی را به عنوان یکی از مهمترین محرک‌های توسعه منطقه‌ای عنوان کردند؛ همچنین نتایج مطالعه نشان داد که مناطق توسعه‌یافته تر، از فعالیتهای سرمایه بر بیشتری برخوردارند و مناطقی که به لحاظ توسعه عقب تر مانده‌اند، متمرکز بر فعالیتهای کاربر و صنایع مبتنی بر کشاورزی همچون صنایع غذایی و آشامیدنی هستند؛ لذا ارتباط مثبتی بین سرمایه گذاری صنعتی و سطح توسعه منطقه‌ای وجود دارد.

هادی زنون (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به تبیین علل توسعه نامتوازن منطقه‌ای در ایران پرداخته است. این مطالعه، علل توسعه منطقه‌ای ناهمگون را در چهار مورد خلاصه می‌کند؛ نخست علت، تفاوت در فعالیت‌های اقتصادی پایه بین استان‌های کشور و تفاوت در ضریب فزاینده فعالیت‌های اقتصادی پایه است؛ دوم، تفاوت در پتانسیل بازار و عدم توازن منطقه‌ای در دسترسی به بازارها است. سطح دسترسی به بازار، همراه با ضریب فزاینده فعالیت‌های پایه که در مورد نخست مطرح شد، می‌تواند به صرفه‌های مقیاس بیانجامد. سوم، تفاوت در عملکرد بنگاه‌های اقتصادی استان‌های مختلف به لحاظ عواملی؛ همچون هزینه‌های حمل و نقل، قابلیت تحرک عوامل تولید و بازده فزاینده است که با مدل فوجیتا-کروگمن محاسبه می‌شود. چهارم، تصمیمات و سیاست‌های بخش عمومی و تأثیری که بر توسعه نامتوازن منطقه‌ای می‌گذارند.

بسحاق و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان ارائه مدلی برای تبیین فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان چهارمحال بختیاری) به بررسی و تبیین فقر در مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از روش پیمایشی و بکارگیری مدلسازی معادلات ساختاری پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که مدل مرتبه دوم فقر

1 Lall and Chakravorty

2 Donaghy and Dall'Erba

روستایی تحت تأثیر عامل‌های پنهان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد. در واقع نشان دهنده این موضوع است که عامل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خوبی توانسته فقر روستایی را اندازه‌گیری کنند.

احمدیان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌هایی چون روش تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس، تحلیل خوشه‌ای و محاسبه ضریب تغییرات (CV) تلاش کردند تا وضعیت برخورداری و کیفیت توزیع شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی-آموزشی، بهداشتی-درمانی و صنعتی در استان کردستان را مورد بررسی قرار دهند. نتایج نشان داد که وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان کردستان از شاخص‌های مورد بررسی متعادل نبوده و اختلافات به نسبت محسوسی مابین شهرستان‌های استان مشاهده می‌گردد. علاوه بر این وضعیت توزیع هریک از شاخص‌های چهارگانه مورد ارزیابی نیز با همدیگر متفاوت است. بیشترین اختلاف توسعه با ضریب تغییرات ۰/۸۰۴ در برخورداری از شاخص‌های صنعتی و کمترین اختلاف در برخورداری از شاخص‌های بهداشتی درمانی با ضریب تغییر ۰/۳۶۳ مشاهده گردید. نهایتاً با توجه به شاخص تلفیقی توسعه، شهرسندج به عنوان مرکز سیاسی-اقتصادی استان، برخورداری شهرستان و شهرستان تازه تشکیل شده دهگلان نیز محروم‌ترین شهرستان استان از نظر شاخص‌های بررسی شده شناخته شدند.

بزاززاده و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از مطالعات موجود در زمینه توسعه منطقه‌ای، معیارهای توسعه در شش گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، علم و فناوری و سازمان فضایی طبقه‌بندی شده و بر اساس اسناد فرادست توسعه‌ای؛ ۱۸ مؤلفه برای توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی بازنمایی کردند. سپس از طریق توزیع ۳۶ پرسشنامه؛ نظرات گروهی از مدیران ارشد و کارشناسان خبره از نهادهای مختلف مدیریت استان جمع‌آوری شده است. داده‌های استخراج شده با تلفیق روش‌های میانگین و تاپسیس، تحلیل شده و مؤلفه‌های کلیدی توسعه منطقه‌ای استخراج گردیده است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که سه مؤلفه «کشاورزی»، «شیوه مدیریت» و «زیرساخت‌های ارتباطی» به عنوان مؤلفه‌های کلیدی توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی؛ تشکیل هشت سناریوی توسعه را داده و در نهایت سناریوی منطبق بر کشاورزی صنعتی، شیوه مدیریت خصوصی و زیرساخت‌هایی با الگوی شبکه‌ای؛ با کسب امتیاز بالاتر، ملاک تدوین چشم‌انداز توسعه منطقه قرار گرفته و بیانیه چشم‌انداز توسعه منطقه‌ای آذربایجان غربی دستاورد این پژوهش قرار گرفته است.

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی فقر و عوامل تعیین‌کنندگان در بین خانواده‌های شهری کشور پرداختند. در این مطالعه با استفاده از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری کشور طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۳ و با به کارگیری سیستم مخارج خطی فقر برآورد و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد بیشترین کاهش احتمال فقر خانوارهای شهری مربوط به تحصیلات سرپرست خانوار و جنسیت سرپرست خانوار می‌باشد. همچنین سن سرپرست خانوار، نسبت تعداد افراد دارای درآمد در خانوار و بعد خانوار نیز در کاهش احتمال فقر خانوارها مؤثر می‌باشند.

نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی خط فقر، اندازه‌ی فقر و عوامل تعیین‌کننده‌ی آن در بین خانوارهای روستایی و شهری ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه با هدف بررسی تعیین‌کننده‌های فقر در ایران، خط فقر مطلق در

بخش روستایی، شهری و کل کشور محاسبه شده و با استفاده از آن، خانوارهای فقیر و غیرفقیر در نمونه‌های مورد مطالعه مشخص گردیده و سپس با استفاده از تخمین پروبیت، نقش هر یک از عوامل تعیین‌کننده فقر بر احتمال فقیر شدن خانوارها مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فقر در بخش روستایی ابعاد بزرگ‌تری داشته است و از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فقر می‌توان به بعد خانوار و بار تکفل اشاره کرد.

روش تحقیق

با توجه به این که متغیرهای مورد استفاده از نظر مانایی درجات مختلفی دارند، برای تخمین مدل در این حالت استفاده از روش خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی^۱ (ARDL) مناسب‌تر است. در این روش برای آزمون وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو از آماره $t = \frac{\sum_{i=1}^P \hat{\phi}_i - 1}{\sum_{i=1}^P S_{\hat{\phi}_i}}$ استفاده می‌شود. شرط وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو، این است که قدرمطلق آماره فوق از کمیت ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر^۲ (۱۹۹۸) بزرگتر باشد. برای بررسی رابطه بلندمدت می‌توان از آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت^۳ (۲۰۰۱) مبتنی بر رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیر مقید (UECM) شامل رابطه پویا و رابطه تعادلی بلندمدت نیز استفاده کرد. در این روش وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها تحت بررسی، توسط محاسبه آماره F مربوط به معناداری سطوح با وقفه متغیرها در فرم تصحیح خطا آزمون می‌شود. باید توجه داشت که توزیع F غیر استاندارد است. اگر آماره F محاسباتی در خارج از این مرز قرار گیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن اینکه متغیرها I(0) یا I(1) باشند، گرفته می‌شود. در این صورت اگر F محاسباتی فراتر از محدوده بالایی قرار بگیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می‌شود و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور رد نمی‌شود. بعد از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت در مدل می‌توان مدل ARDL را با استفاده از وقفه‌هایی که توسط شوارتز-بیزین تعیین می‌شود، برآورد کرد.

داده‌ها و روش‌های گردآوری آن

خط فقر یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که سطح رفاه یک کشور یا منطقه را نشان می‌دهد. هدف این مطالعه بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه سواحل مکران (استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان) بر توسعه اقتصاد منطقه‌ای با تأکید بر فقر زدایی است. برای شاخص فقر از مطالعه محمدی (۱۳۹۸) استفاده شده است. وی با استفاده از سیستم مخارج خطی پویا و رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب تکراری شاخص فقر را برای مناطق شهری و روستایی سواحل مکران محاسبه کرده است. بنابراین در این مطالعه از میانگین شاخص فقر شهری و روستایی سواحل مکران به عنوان شاخص توسعه اقتصاد منطقه‌ای مکران استفاده شده است. بطوری که با کاهش فقر سطح توسعه منطقه‌ای این سواحل بهبود می‌یابد.

با الگو گرفتن از مطالعه احمدیان و همکاران (۱۳۹۳) و همچنین مبانی نظری و پیشینه‌های تجربی تحقیق، شاخص‌های توسعه در جدول (۱) آورده شده است.

^۱ Auto Regressive Distributed Lag Method (ARDL).

^۲ Banerjee, Dolado & Mestre

^۳ Pesaran, Shin and Smith.

جدول (۱): شاخص‌ها و زیرشاخص‌های توسعه

شاخص	زیرشاخص‌ها
شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی	تعداد بیمه شدگان تحت پوشش خدمت درمانی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد بیمه شدگان تأمین اجتماعی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی اعتباری به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد واحدهای بانکی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد تعاونی روستایی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد تعاونی مسکن به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، مبلغ سپرده نزد بانک‌ها (به میلیون ریال) نسبت به جمعیت
شاخص‌های آموزشی-فرهنگی	نسبت کارکنان آموزشی به جمعیت دانش‌آموزان، نسبت جمعیت دانش‌آموزان به کل جمعیت، نسبت دانش آموز دختر به پسر، تعداد اجرای موسیقی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد اجرای تئاتر به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد سالن نمایش به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد اعضای کتابخانه به ازای هر ده هزار نفر، تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد کتابخانه عمومی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت
شاخص‌های بهداشتی-درمانی	تعداد تخت درمانی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد خانه بهداشت روستایی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد پزشک به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد داروخانه به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد آزمایشگاه به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد مرکز توانبخشی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد مرکز پروتو نگاری به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد پیرا پزشک به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد بهورز به ازای هر ده هزار نفر جمعیت
شاخص‌های صنعتی	تعداد شاغلان تعاونی‌های صنعتی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد شرکت‌های تعاونی صنعتی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت، تعداد کارگاه‌های صنعتی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت

این اطلاعات برای سواحل مکران (استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان) از شماره‌های مختلف سالنامه‌های آماری این استان‌های برای بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۶۴ استخراج شده است.

منطقه مورد مطالعه

سواحل مکران ایران در جنوب خاوری کشور و از راس‌الکوه در باختر جاسک تا خلیج گواتر در طول دریای عمان گسترده شده‌اند که دارای خلیج‌ها و خورهای مناسبی برای ایجاد بندرها و فعالیت‌های اقتصادی می‌باشند. همچنین این سواحل به سبب قرار گرفتن درهاتلند انرژی، مجاورت با حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، دسترسی به آب‌های بین‌المللی، مجاورت با کشورهای حوزه دریای عمان و اقیانوس هند و مزیت‌های ترانزیتی مناسب برای خشکی‌های اوراسیا، دارای اهمیت استراتژیک فراوانی می‌باشند. با تمام مزیت‌های ژئواکونومیک این سواحل و داشتن وابستگی، پیوستگی و نزدیکی جغرافیایی با سواحل خلیج فارس، از دیدگاه شاخص‌های توسعه‌ای، این سواحل نسبت به سواحل خلیج فارس از درجه توسعه‌یافتگی پایین‌تری برخوردار هستند و بر خلاف سواحل خلیج فارس که در تجارت و بازرگانی کشوری دارای نقشی ملی و بین‌المللی هستند، دارای نقش محلی و ناحیه‌ای است. رویکرد عمومی اقتصادی محور و توسعه‌ای سواحل مکران به دلایل گوناگون جزء کم توسعه‌یافته‌ترین مناطق کشور است (بیات و حاتمی، ۱۳۹۱).

بررسی مطالعات مختلف طبیعی نشانگر محدوده‌ای است که از شرق به مرزهای بین‌المللی کشوری، از غرب به گسل میناب، از شمال به ارتفاعات مکران و از جنوب به سواحل دریای عمان منتهی شود. مرز محدوده مکران طبق این مطالعات بخش‌هایی از استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان را شامل می‌شود (طرح ویژه توسعه و عمران مکران، ۱۳۹۸). اشکال (۱) و (۲) به ترتیب موقعیت جغرافیایی و آخرین تقسیمات سیاسی و اداری سواحل مکران را نشان می‌دهد.



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی سواحل مکران
منبع: طرح ویژه توسعه و عمران مکران (۱۳۹۸)



شکل (۲): آخرین تقسیمات سیاسی و اداری سواحل مکران منبع: طرح ویژه توسعه و عمران مکران (۱۳۹۸)

یافته‌های تحقیق

معرفی مدل تحقیق

در این مطالعه رابطه (۱) برای بررسی تأثیر شاخص های توسعه مکران بر توسعه اقتصاد منطقه‌ای با تأکید بر فقر زدایی به کار گرفته شده است.

$$Y = f(X_1, X_2, X_3, X_4) \quad (۱)$$

Y متوسط شاخص فقر سرشمار مناطق شهری و روستایی به عنوان شاخص توسعه اقتصاد منطقه‌ای سواحل مکران است.

X_1 نشان دهند شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی است.

X_2 نشان دهند شاخص‌های آموزشی - فرهنگی است.

X_3 نشان دهند شاخص‌های بهداشتی - درمانی است.

X_4 نشان دهند شاخص‌های صنعتی است.

آزمون مانایی

نتایج آزمون مانایی متغیرها براساس آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته^۱ (ADF) بررسی شده است. جداول (۲) نتایج این آزمون برای سطح متغیرها و جدول (۳)، نتایج آزمون برای تفاضل مرتبه اول متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۲): نتایج آزمون ADF روی سطح متغیرها

متغیر	آماره	مقدار بحرانی (سطح خطای ۵ درصد)	سطح خطا	نتیجه
Y	-۴/۴۲	-۳/۵۶	۰/۰۰۷	مانا
X_1	-۱/۰۳	-۳/۵۶	۰/۹۲۴	نامانا
X_2	-۱/۴۰	-۳/۵۵	۰/۸۳۹	نامانا
X_3	-۲/۲۱	-۳/۵۵	۰/۴۶۶	نامانا
X_4	-۲/۸۱	-۳/۵۵	۰/۲۰۳	نامانا

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، برای متغیر شاخص فقر (Y) قدر مطلق آماره آزمون بیشتر از مقدار بحرانی است، همچنین سطح خطا کمتر از ۵ درصد است، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد و نامانایی رد می‌شود؛ یعنی این متغیر در سطح مانا است و درجه مانایی این متغیر ۱ است. اما برای دیگر متغیرهای تحقیق سطح فرضیه صفر رد نمی‌شود؛ یعنی در سطح دارای ریشه واحد و نامانا هستند. لذا باید آزمون مانایی برای تفاضل مرتبه اول این متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین نتایج آزمون روی تفاضل مرتبه اول این چهار متغیر در جدول (۳) آورده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون ADF روی تفاضل مرتبه اول متغیرها

متغیر	آماره	مقدار بحرانی (سطح خطای ۵ درصد)	سطح خطا	نتیجه
DX_1	-۳/۸۱	-۳/۵۶	۰/۰۲۹	مانا
DX_2	-۴/۹۱	-۳/۵۶	۰/۰۰۲	مانا
DX_3	-۴/۶۲	-۳/۵۶	۰/۰۰۴	مانا
DX_4	-۹/۷۹	-۳/۵۶	۰/۰۰۰	مانا

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، تفاضل مرتبه اول همه متغیرها مانا است؛ زیرا که فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در همه این متغیرها رد شده است. بنابراین درجه مانایی این متغیرها ۲ است.

با توجه به نتایج آزمون مانایی که نشان داد درجه مانایی متغیر شاخص فقر ۱ و درجه مانایی دیگر متغیرهای تحقیق ۲ است لازم است برای جلوگیری از گرفتار شدن در دام رگرسیون کاذب از روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) برای بررسی رابطه پویا، بلندمدت و تصحیح خطا استفاده می‌شود.

⁷ Augmented Dickey-Fuller Test

تعیین وقفه بهینه

برای برآورد مدل به روش ARDL ابتدا باید وقفه بهینه مدل تعیین شود. بدین منظور از روش VAR غیر مقید استفاده می شود. نتایج تعیین وقفه بهینه با استفاده از معیار شوارتز- بیزین در جدول (۴) آورده شده است.

معیار شوارتز- بیزین	درجه
-۱۵/۰۶	.
-۲۰/۱۴	۱
-۱۹/۲۵	۲
وقفه بهینه: p=1	

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

همانطور که در جدول (۴) نیز مشاهده می شود، براساس معیار شوارتز- بیزین طول وقفه بهینه یک است. دلیل استفاده از معیار شوارتز- بیزین نیز این است که با توجه به کوتاه بودن بازه زمانی مطالعه (۱۳۹۶-۱۳۶۴) درجه آزادی کمتری از دست می رود.

مدل پویا

بعد از تعیین وقفه بهینه به برآورد مدل پویای ARDL پرداخته می شود. نتایج تخمین مدل پویای ARDL در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول (۵): نتایج تخمین به روش ARDL (متغیر وابسته Y)

متغیر	ضریب	آماره t	نتیجه
$Y(-1)$	۰/۵۴	۵/۸۵	معنی دار
X_1	-۰/۱۰۵	-۳/۰۴	معنی دار
$X_1(-1)$	-۰/۷۶	-۱/۸۱	معنی دار
X_2	-۰/۲۲	-۲/۵۸	معنی دار
$X_2(-1)$	۱/۰۵	۲/۴۵	معنی دار
X_3	-۰/۱۹	-۶/۷۳	معنی دار
$X_3(-1)$	۰/۵۳	۱/۶۱	بی معنی
X_4	-۰/۳۳	-۹/۵۵	معنی دار
$X_4(-1)$	۰/۴۳	۱/۱۹	بی معنی
C	۰/۲۸	-۱/۷۷	بی معنی
$R^2=0/84$		$F(13/58)=0/000$	
Serial correlation	$F(0/82)=0/19$		
Functional Form	$F(0/14)=2/30$		
Normality	$\chi^2(0/78)=0/48$		
Heteroscedasticity	$F(0/19)=1/53$		

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

همانطور که در جدول (۵) ملاحظه می شود، اکثر متغیرها معنی دار هستند. ضریب تعیین مدل ۰/۸۴ درصد است و آماره F در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. با توجه به آزمون ARCH، مدل ناهمسانی واریانس ندارد؛ زیرا آماره F آزمون برابر با ۱/۵۳ است و فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس رد نمی شود. همچنین مدل خودهمبستگی سریالی ندارد؛ زیرا براساس آزمون LM، آماره F برابر با ۰/۱۹ است و فرض صفر مبنی بر عدم وجود مشکل خود همبستگی رد نمی شود. آماره آزمون JB حاکی از نرمال بودن مدل دارد؛ زیرا آماره χ^2 آن برابر با ۰/۴۸ است و فرضیه صفر مبنی

بر توزیع نرمال جملات پسماند رد نمی‌شود. همچنین آماره آزمون F برای شکل تبعی مدل برابر با ۲/۳۰ است و حاکی از آن است که مدل با مشکل تصریح مواجه نیست.

با توجه به نتایج مدل ARDL، عدم همجمعی بین متغیرهای مدل با استفاده از رابطه (۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای انجام این آزمون از مقدار بحرانی جدول بنرجی، دولا دو و مستر استفاده می‌شود. کمیت این آماره از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\phi}_i - 1}{\sum_{i=1}^p S \hat{\phi}_i} = \frac{0.54 - 1}{0.09} = -4.95 \quad (2)$$

با توجه به اینکه مقدار بحرانی در سطح ۹۹ درصد (-۳/۲۸) است، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همجمعی بین متغیرهای الگو رد می‌شود. بنابراین یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو وجود دارد.

نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل

بعد از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل، رابطه بلندمدت مربوط به مدل ARDL در جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول (۶): نتایج رابطه بلندمدت (متغیر وابسته Y)

متغیر	ضریب	آماره t	نتیجه
X_1	-۲/۱۴	-۲/۴۴	معنی‌دار
X_2	-۳/۵۷	-۱/۸۶	معنی‌دار*
X_3	-۰/۱۹	-۶/۷۳	معنی‌دار
X_4	۱/۹۶	۱/۶۲	بی‌معنا
C	۰/۸۰	۱/۳۶	بی‌معنا

*: در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنی‌دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، متغیر شاخص‌های صنعتی (X_4) تاثیر معنی‌داری بر فقر در سواحل مکران ندارد. اما دیگر شاخص‌ها تاثیر منفی و معنی‌داری بر فقر در سواحل مکران دارد. X_1 که نشان دهنده شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی است و ضریب آن برابر با ۲/۱۴ می‌باشد؛ یعنی اگر در بلندمدت شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، یک درصد بهبود پیدا کند، خط فقر ۲/۱۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنین شاخص‌های آموزشی-فرهنگی که با X_2 نشان داده شده‌اند دارای ضریب برابر با ۳/۵۷- است و نشان می‌دهد که در صورتی که در بلندمدت شاخص‌های آموزشی-فرهنگی یک درصد افزایش پیدا کنند، خط فقر ۳/۵۷ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین بجز شاخص‌های صنعتی که تاثیر معنی‌داری بر خط فقر در سواحل مکران ندارد، با بهبود دیگر شاخص‌ها، خط فقر کاهش می‌یابد.

الگوی تصحیح خطا

بعد از اینکه مطمئن شدیم رابطه بلندمدت بین متغیرهای اقتصادی وجود دارد، می‌توان از الگوهای تصحیح خطا (ECM) استفاده کرد. این الگوها بین نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها و مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط برقرار می‌کند. با استفاده از این الگوها نیروهای موثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. ضریب جمله ECM نشان می‌دهد که در هر دوره، چند درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت خط فقر برای رسیدن به تعادل

بلندمدت تعدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر، این ضریب نشان می‌دهد که چند دوره طول می‌کشد تا خط فقر، به روند بلندمدت خویش برگردد. جدول (۷) نتایج حاصله از تخمین مدل تصحیح خطا را نشان می‌دهد.

جدول (۷): نتایج حاصل از معادله تصحیح خطا (متغیر وابسته R)

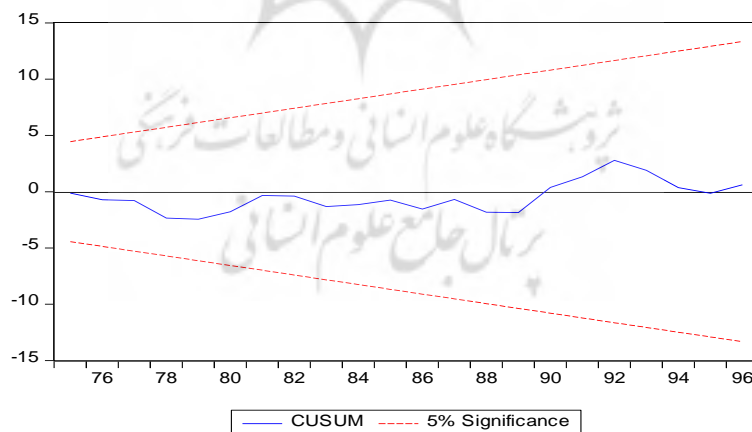
متغیر	ضریب	آماره t	نتیجه
DX_1	-۰/۰۵	-۳/۰۴	معنی‌دار
DX_2	-۰/۲۲	-۲/۵۸	معنی‌دار
DX_3	-۰/۱۹	-۶/۷۳	معنی‌دار
DX_4	-۰/۳۳	-۹/۵۵	معنی‌دار
ecm_{t-1}	-۰/۳۶	-۵/۲۴	معنی‌دار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

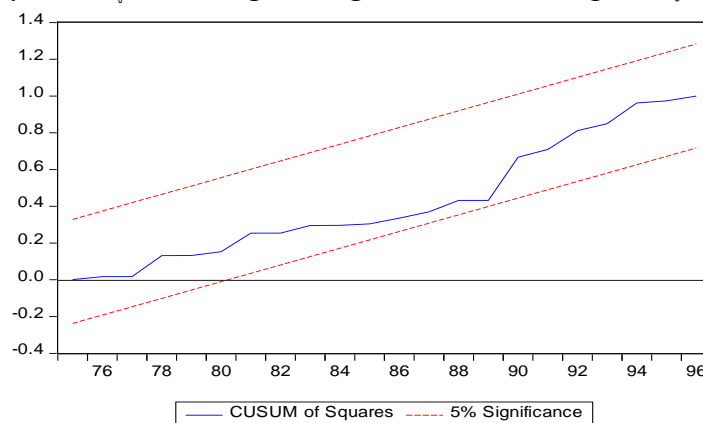
ضریب جمله تصحیح خطا در این مدل $-۰/۳۶$ - و از نظر آماری معنی‌دار است و نشان می‌دهد که در هر دوره $۰/۳۶$ درصد از عدم تعادل در خط فقر سواحل مکران تعدیل شده و به سمت روند بلندمدت خود نزدیک می‌شود.

آزمون‌های ثبات ساختاری

آزمون ثبات برای مشخص کردن ثبات مدل و تعیین وجود یا عدم وجود شکست ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تشخیص این امر، از آزمون‌های مجذور تجمعی و مجموع مجذور تجمعی باقیمانده‌ها (CUSUM و CUSUM Q) استفاده می‌شود. برای این منظور، دو حد بالا و پایین در سطح معنی‌داری ۵ درصد نشان داده شده است که اگر نمودار آماری به دست آمده در محدوده بین این حدود قرار گرفت و آن‌ها را قطع نکرد، می‌توان با سطح اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد که مدل از ثبات لازم برخوردار است و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود (تشکینی، ۱۳۸۴). نتایج این آزمون‌ها حاکی از پایداری ضرایب برآوردی است و به دلیل قرار گرفتن در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، شکست ساختاری در مدل وجود ندارد (اشکال ۳ و ۴).



شکل (۳): پایداری ضرایب (CUSUMSQ) منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



شکل (۴): پایداری ضرایب (CUSUM)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در این مطالعه تاثیر شاخص‌های توسعه مکران بر توسعه اقتصاد منطقه‌ای با تاکید بر فقر زدایی در سواحل مکران بررسی شده است. دوره زمانی مورد استفاده در این پژوهش از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۶ است. بدین منظور از شاخص خط فقر محاسبه شده در مطالعه محمدی (۱۳۹۸) به عنوان شاخص توسعه اقتصاد منطقه‌ای استفاده شده است. بطوری که با کاهش خط فقر می‌توان گفت توسعه اقتصاد منطقه‌ای بهبود پیدا می‌کند و برعکس. شاخص‌های توسعه مکران نیز به چهار دسته شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی تقسیم شدند. آمار و اطلاعات این شاخص‌ها نیز از شماره‌های مختلف سالنامه‌های آماری استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان به عنوان سواحل مکران جمع‌آوری شده است. نتایج آزمون مانایی نشان داد که با توجه به متفاوت بودن درجه مانایی متغیرهای تحقیق باید از روش ARDL برای برآورد مدل استفاده شود. همچنین نتایج فروض کلاسیک و آزمون ثبات ضرایب حاکی از معتبر بودن نتایج تحقیق داشت. بجز شاخص صنعتی که تاثیر معنی‌داری بر خط فقر به عنوان شاخص توسعه اقتصاد منطقه‌ای مکران نداشت، دیگر متغیرهای تحقیق تاثیر منفی و معنی‌داری بر خط فقر سواحل مکران داشتند؛ یعنی با بهبود این شاخص‌ها خط فقر کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به ضرایب شاخص‌ها در بلندمدت می‌توان نتیجه گرفت که بهبود شاخص‌های آموزشی - فرهنگی در مقایسه با دیگر شاخص‌های تاثیر بیشتری بر کاهش خط فقر در سواحل مکران دارد. شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی و شاخص‌های بهداشتی - درمانی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. دلیل بی‌معنی بودن تاثیر شاخص‌های صنعتی بر کاهش فقر در سواحل مکران را می‌توان عدم توسعه صنعت در این مناطق دانست، بطوری که عملکرد ضعیف بخش صنعت و عدم توسعه آن، تاثیری بر فقر در این مناطق نداشته است.

با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود که باید شرایط لازم برای بهبود شاخص‌های آموزشی - فرهنگی در این مناطق فراهم شود تا موجب کاهش فقر در این مناطق در بلندمدت شود. همچنین فراهم کردن شرایط بهبود شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی و بهداشتی - درمانی می‌تواند موجب توسعه سواحل مکران و کاهش فقر در این مناطق شود.

منابع

- احمدیان، مهدی؛ زنگی آبادی، علی؛ کرمی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل فضایی شاخص های توسعه منطقه ای با بهره گیری تلفیقی از تکنیک های شباهت به گزینه ایده آل، تحلیل سلسله مراتبی و تحلیل خوشه ای (نمونه موردی: استان کردستان). دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های بوم شناسی شهری، ۵ (۹): ۸۳-۹۶.
- امین بیدخت، علی اکبر (۱۳۸۵)، رتبه بندی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان سمنان، مجله آموزش جغرافیا، دوره بیست و یکم شماره ۱، انتشارات وزارت آموزش و پرورش پاییز.
- بزاززاده، مهدی؛ داداش پور، هاشم؛ مطوف، شریف (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عوامل کلیدی موثر بر توسعه منطقه ای با رویکرد آینده نگاری منطقه ای، مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، ایران. برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۴ (۲): ۱۰۴-۷۹.
- بسحاق، محمدرضا، تقدیسی، احمد، تقوایی، مسعود (۱۳۹۴)، ارائه مدلی برای تبیین فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری). مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۴ (۳): ۲۴۹۵-۲۳۸۳.
- بیات، حمیدرضا؛ حاتمی، ایرج (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر در توسعه نیافتگی سواحل مکران. اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ لغایت ۳۰ بهمن ۱۳۹۱.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصاد سنجی کاربردی به کمک Microfit، موسسه فرهنگی هنری دیباگران، تهران.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران.
- طرح ویژه توسعه و عمران مکران (۱۳۹۸)، شناسایی الزامات نظام سکونت مبتنی بر فعالیت در منطقه مکران با رویکرد RDS. وزارت راه و شهرسازی. محمدرزاده، پرویز؛ فالاحی، فیروز؛ حکمتی فرید، صمد (۱۳۹۰)، بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی، شماره ۲، صص ۶۶-۴۱.
- محمدی، محمود (۱۳۹۸)، آثار شاخص های توسعه مکران بر توسعه اقتصاد منطقه ای با تاکید بر فقر زدایی. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، به راهنمایی دکتر محسن زاینده رودی و مشاوره دکتر سید عبدالمجید جلائی.
- نجفی، بهاءالدین و شوشتریان، آشان. (۱۳۸۶). برآورد خط فقر، اندازه ی فقر و بررسی تعیین کننده های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم، شماره ی ۵۹، صص ۲۴-۱.
- هادی زوز، بهروز (۱۳۹۴)، رهیافت هایی نظری برای توسعه ی ناموزون منطقه ای در ایران: جغرافیا و طبیعت یا تدبیر و سیاست. ضمیمه اقتصادی روزنامه ی شرق. ۱۷-۲۱.
- Donaghy, K. P., & Dall'Erba, S. (2003). Structural and spatial aspects of regional inequality in Spain. Vol. 2, No. 2.
- Hakizimana, J. M., & Geyer, H. (2014). Socio-economic inequality in South Africa according to different disparity indices.
- Hashmi, A. A., Sial, M. H., Hashmi, M. H., & Anwar, T. (2008). Trends and Determinants of Rural Poverty: A Logistic Regression Analysis of Selected Districts of Punjab [with Comments]. The Pakistan Development Review, 909-923.
- Lall, S. V., & Chakravorty, S. (2004). Industrial location and spatial inequality: theory and evidence from India. Research paper No. 2004/49, United Nations University. World Institute for Development Economics Research.
- M as ou mi Ash kva ri , S. H. (2 00 7) , Principles of Regional Planning, Tehran, Payam Publications.
- Nakabashi, L. (2018). Poverty and economic development: Evidence for the Brazilian states. *Economia*, 19(3), 445-458.
- Narain, U., Gupta, S., & Van't Veld, K. (2008). Poverty and the environment: exploring the relationship between household incomes, private assets, and natural assets. *Land Economics*, 84(1), 148-167.
- Pacione, M (2003), *Urban Geography, a Global Perspective*, 2th, London: Routledge.
- United Nations Development Program. (2005), *Human Development Report*, New York.